

## رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی در دانشجویان

مرضیه موسوی خامنه<sup>۱\*</sup>، علی رجبلو<sup>۲</sup>، لیلا علوی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۸۹/۴/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۱۵)

### چکیده

حوزه عمومی و اخلاق اجتماعی، دو محور بحث در جامعه‌شناسی است. فرضیه اصلی پژوهش این است که عمل در حوزه عمومی عاملی تأثیرگذار بر افزایش میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی است. در بررسی رابطه این دو، از نظریه حوزه عمومی هانا آرنست و ارزیابی بازتابی موريس روزنبرگ استفاده شده است. مدل در نظر گرفته شده در این پژوهش شامل متغیرهای آزادی‌باوری، کنترت‌گرایی، خودافشاگری خصوصی و خودافشاگری عمومی است که به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی دخالت داده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران در نیم‌سال دوم ۸۸-۸۹ است. چهارصد نفر از این دانشجویان به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای با حجم متناسب برای پاسخ‌گویی انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش با

---

\*mar\_mousavi2002@yahoo.com

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

استفاده از روش پیمایش و پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد متغیرهای خودافشاگری عمومی، آزادی‌باوری، کثرت‌گرایی و متغیرهای زمینه‌ای جنسیت و مقطع تحصیلی بر میزان تجربه حس شرم تأثیر معنادار دارند؛ ولی تأثیر متغیر خودافشاگری خصوصی به لحاظ آماری مورد تأیید قرار نگرفت.

**واژه‌های کلیدی:** حوزه عمومی، عمل، خودافشاگری، تجربه حس شرم، اخلاق اجتماعی.

### مقدمه

تاریخ تجربه حوزه عمومی در جوامع دموکراتیک، روایت پیدایش زمینه‌ای سیاسی و اجتماعی است که در آن، امکان تحقق آزادی عمل در انسان‌ها فراهم شده و آدمی توانسته است در صلح و بنا بر وجدان خود و اخلاق اجتماعی، با دیگر هم‌نوعانش و نیز با نهادهای جامعه رابطه برقرار کند. اخلاق اجتماعی در انواع مختلفی از احساسات انسانی بروز می‌کند که بارزترین و اجتماعی‌ترین آن‌ها، بروز حس شرم در اعضای جامعه است. با حفظ و توسعه حس شرم به‌مثابه اخلاق اجتماعی در جامعه، انسان‌ها در مقام اعضای جامعه در مواقع نادرستی و ناشایستگی کردار و عملکرد خود، به «خود» خشم می‌گیرند و تمایل به اصلاح «خود» در آن‌ها به‌وجود می‌آید. «خود» در اینجا می‌تواند فرد، گروه، سازمان و حتی ملت و جامعه باشد. شرم حسّی بنیادی و اجتماعی در انسان است؛ از همین‌رو است که همگی بر این باوریم این حس را می‌شناسیم و بارها در زندگی اجتماعی خود آن را تجربه کرده‌ایم. چنین باوری ناشی از این است که ما خون‌دویدگی بر چهره‌مان را همواره به معنای حس شرم می‌دانسته‌ایم. هریک از ما با کمترین تأمل و تمرکز در کردار و گفتار و رفتارمان، می‌توانیم نمونه‌های گوناگون و زیادی از تجربه حس شرم را ذکر کنیم: در کودکی وقتی پدر و مادرمان به هر علتی ما را تنبیه کرده‌اند و به‌عنوان بچه بد از خویش رانده‌اند، خود را بچه بدی پنداشته و شرم‌منده و بی‌پناه به گوشه‌ای خزیده‌ایم؛ در مدرسه از اینکه تکالیفمان را انجام نداده و نگاه تحقیرآمیز همکلاسی‌ها و سرزنش معلم را تحمل کرده‌ایم، شرمسار بوده‌ایم؛ در محل کار خود از اینکه حقی ناحق شده و می‌توانسته‌ایم اعتراض کنیم ولی نکرده‌ایم، خود را پست و حقیر تصور کرده‌ایم و بسیاری موارد دیگر. همان‌طور که مشاهده می‌شود، حس شرم و بروز آن چنان با زندگی‌مان درآمیخته است که هریک از ما به دلیل تجربه‌های مکرر آن، به این باور می‌رسیم که حس شرم، حسّی

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

بدیهی است و ما بی واسطه آن را می‌شناسیم. اما اینکه کدام یک از این احساسات، اخلاقی اجتماعی به‌شمار می‌آید و فقدان یا طرد آن، به زندگی اجتماعی اعضای جامعه لطمه‌هایی جبران‌ناپذیر وارد می‌کند، بحثی است که در این مجال اندک به آن پرداخته می‌شود.

### ۱. طرح مسئله

مطالعه احساسات اعضای جامعه از مباحثی است که از دیدگاه روان‌شناسی و نیز جامعه‌شناسی به آن پرداخته شده است. بنابراین، شرح‌ها و تبیین‌هایی که برای این جنبه از رفتار بشری صورت گرفته است، هرکدام عوامل بیولوژیکی و اجتماعی گسترده‌ای را برای بررسی احساسات افراد جامعه مورد توجه قرار داده‌اند. اما زمانی که هدف، مطالعه احساساتی باشد که اخلاق اجتماعی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود و در بستر حوزه عمومی جامعه و روابط اعضای جامعه با یکدیگر معنا می‌یابد، حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی پاسخ‌گو خواهد بود. حس شرم نمونه‌ای از این احساسات است؛ این حس در اخلاق اجتماعی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد و از سویی در متن جامعه و در ارتباط با دیگران ظهور می‌کند (Rosenberg, 1981). به عبارتی، این حس «هیجانی بنیادی»<sup>۲</sup> است که عملکردهای قدرتمند اجتماعی و روان‌شناختی دارد (Scheff, 2002). از آنجایی که بحث اخلاق اجتماعی بسیار گسترده بوده و نیازمند مفهوم‌سازی‌ها و تعریف‌های جامعه‌شناختی گسترده‌ای است، مفهوم تجربه حس شرم به‌عنوان بخش چشمگیری از اخلاق اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. حس شرم، حس اخلاقی است و کارکردهای اجتماعی ضروری در سطح جامعه دارد و با طرد یا فقدان این حس در افراد جامعه، شرایطی بر آن حکمفرما می‌شود که به‌طور عام، خودانتقادی و حرکت به‌سوی تغییر و اصلاح خویشتن و جامعه را متوقف می‌کند. بنابراین مطالعه عواملی که در شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری این حس اجتماعی مؤثر است، ضروری می‌نماید.

ویژگی‌های اخلاق عمومی ایرانی در سه سطح فردی، سطح ماهیت روابط میان شهروندان و سطح ساختاری تفکیک می‌شود. از این ویژگی‌ها می‌توان به غرور کاذب، کم فکر کردن، تفاوت زیاد میان ظاهر و باطن، فرصت‌های بسیار محدود برای رشد فرد، بی‌اعتمادی، ضعف

---

1. Social Ethics  
2. Master Emotion

در فراگیر شدن شایسته‌سالاری، نپذیرفتن تفاوت‌های یکدیگر، تمایل به آزار و تحقیر دیگران و به‌طور کلی اخلاق عمومی غیرعقلانی اشاره کرد. اگر بخواهیم میان این سه سطح رابطه علت و معلولی برقرار کنیم، سطح ساختاری علتی برای دو سطح دیگر است (سریع‌القلم، ۱۳۸۷). با وجود این ویژگی‌ها در سطح جامعه، مطالعه چگونگی بروز حس شرم اجتماعی در موقعیت‌ها و ارتباطات اجتماعی اعضای جامعه ضرورت می‌یابد. در تحقیقات انجام‌شده در ایران، شرح‌هایی مجزاً از احساسات مربوط به اخلاق اجتماعی و عوامل سیاسی و اجتماعی مانند حوزه عمومی ارائه شده و زندگی پیچیده انسانی به قطب‌های مفهومی مشخص تفکیک شده است؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد مطالعه پیوستگی‌ها و ناپیوستگی‌ها بین ظهور و یا فقدان عمل در حوزه عمومی جامعه و تجربه‌های احساسی و اخلاقی اعضای جامعه، به غنی‌سازی معرفت جامعه‌شناسی و نیز اصلاح جامعه و بهبود روابط انسانی و دموکراتیک در نهادهای اجتماعی بسیار کمک می‌کند. روابط انسانی و دموکراتیک در نهادهای اجتماعی متأثر از ارزش‌ها و رفتار دموکراتیک شهروندان متعهد و حاصل آن است.

#### هدف پژوهش

هدف این پژوهش، مطالعه اخلاق اجتماعی دانشجویان با توجه به چگونگی عمل آن‌ها در حوزه عمومی جامعه ایرانی است؛ البته برای بررسی اخلاق اجتماعی در جامعه، به مطالعه میزان تجربه حس شرم دانشجویان در مواقع کاستی و نادرستی کردار آن‌ها در رابطه با خود و دیگران پرداخته شده است.

مطالعه حوزه عمومی جامعه و محدودیت‌های عمل دانشجویان در آن، این امکان را به پژوهش‌گر می‌دهد که میزان اخلاقی بودن رفتار و کنش دانشجویان را در حوزه عمومی بررسی کند. از سوی دیگر، هدف از مطالعه حوزه عمومی سنجش میزان مداخله داوطلبانه دانشجویان در سرنوشت عمومی جامعه است؛ یعنی بررسی نقش عادلانه و جدی آن‌ها از راه دخالت و مشارکت داوطلبانه در گفت‌وگوها و مداخله در مسائل عمومی جامعه که به ایجاد اخلاق عمومی منجر می‌شود.

توضیح و تبیین میزان تجربه حس شرم به‌منابۀ اخلاق اجتماعی، بر این اساس صورت می‌گیرد که انسان در اجتماع و در میان انبوهی از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی حاکم بر

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

تصورات و ذهنیت‌های خود زندگی می‌کند. اما در این تحقیق، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی در حوزه عمومی جامعه ایران مورد نظر است نه اخلاق در حوزه خصوصی که اغلب ماهیت خصوصی دارد و یا بیان‌کننده سنت‌ها و آیین‌ها و دستورات کیشی است. به عبارتی، هدف، تأکید بر بروز حس شرم بر اساس هنجارها و قوانین اجتماعی است و اینکه آیا با فاصله گرفتن آن‌ها از عمل در حوزه عمومی، میزان تجربه این حس تغییر می‌کند یا خیر.

### مبانی نظری پژوهش

بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی معتقدند احساسات دارای نیروی بسیار زیادی است. ماکس وبر به طور مستقیم به احساسات اشاره نمی‌کند؛ اما تأکید او بر ارزش‌ها به عنوان اساس ساختار اجتماعی، گویای این است که ارزش‌ها به طور احساسی اعتقادات را تقویت می‌کنند. دورکیم در خلق همبستگی، به عواطف جمعی اجتماع اخلاقی تأکید دارد. پارسونز نیز احساسات را به جزئی از کنش اجتماعی در چهارگانه AGIL خود ارتقا می‌دهد. حتی مارکس و انگلس نیز احساسات را در معنای عمومی آن مورد توجه قرار می‌دهند (Scheff, 2002). برخی نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی نیز مانند مید، کولی، روزنبرگ و گافمن میان حس شرم و زندگی اجتماعی رابطه‌ای حیاتی قائل هستند و معتقدند فهم حس شرم برای مطالعه نظام‌های اجتماعی ضروری است؛ در حالی که کاربرد روان‌شناختی شرم، حاکی از معنای منحصر به فردی است که محدودیت زمانی و شدت زیادی دارد و موجبات گم شدن کاربرد اجتماعی و اخلاقی حس شرم را فراهم می‌کند. تجربه حس شرم به عنوان اخلاق اجتماعی، در شرایط اجتماعی ای بروز می‌کند که کاستی و نادرستی در عملکرد اعضای جامعه رخ دهد. این کاستی‌ها همان انحراف اعضای جامعه از اصول اخلاقی جامعه است. نظریه‌پردازان اخلاق را مجموعه اصولی می‌دانند که از همبستگی بین افراد جامعه در شرایط خاص و برای سازگار کردن رابطه اجتماعی حاصل می‌شود. این اصول اخلاقی مشروط و قابل تغییرند و فقط مبنای نقد و ارزیابی ایده‌ها و پیامدهای عملی هستند. این نوع اخلاق، اخلاق اجتماعی است و به حوزه عمومی<sup>۱</sup> جامعه مربوط است نه به اخلاقیات<sup>۲</sup> و حوزه خصوصی (میرسپاسی، ۱۳۸۸).

---

1. Public Sphere  
2. Morality

مفهوم اجتماعی «خود» می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای تعریف گسترده شرم اجتماعی باشد. مید (۱۹۳۴) در فرایند شکل‌گیری «خود»، اولویت را به تعامل اجتماعی می‌دهد. او می‌گوید فرایند شکل‌گیری «خود» قبل از برقراری ارتباط و تعامل وجود نداشته و ارتباط، جزء جدایی‌ناپذیر کل این فرایند است (به نقل از Woodward, 2002: 8). واحد بررسی مید، «کنش<sup>۱</sup>» (عمل) است. هر دو جنبه آشکار و پنهان کنش انسان را دربرمی‌گیرد. توجه، ادراک، تخیل، تعقل، عاطفه و مانند آن بخش‌هایی از مفهوم عمل در نظر گرفته شده‌اند؛ پس عمل تمام فراگردهای دخیل در فعالیت بشری را دربرمی‌گیرد (به نقل از ریتزر، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

کولی، هم‌عصر مید، تأکید می‌کند خواندن ذهن دیگران معمولاً پدیدآورنده احساسات است و شرم و غرور، هر دو، از مشاهده «خود» خویش از دیدگاه دیگران ناشی می‌شود. او در بحثی درباره «احساسات راجع به خود»، شرم و غرور را دو احساس محتمل می‌داند. اما مفهوم «خود آینه‌سان<sup>۲</sup>» او که بر ماهیت اجتماعی «خود» دلالت دارد، به‌طور مستقیم به احساس شرم و غرور می‌پردازد. او بروز این احساسات را به سه مرحله تفکیک می‌کند: تصور نمودمان از نظر دیگران؛ تصور قضاوت دیگران از این نمود؛ بروز برخی احساسات مانند شرم و غرور (Scheff, 2002). به اعتقاد کولی، آنچه ما را به سمت حس شرم هدایت می‌کند، فقط احساس مکانیکی از خودمان نیست؛ بلکه احساسی است که از تصور اثر این انعکاس روی ذهن دیگران ایجاد می‌شود. این واقعیت نیز هست که بر اساس نوع شخصیت و اهمیت «دیگری<sup>۳</sup>» که ما خود را در ذهن او می‌بینیم، تفاوت‌هایی در نوع و شدت احساس ما ایجاد شود. به عبارتی، ما همیشه تصور می‌کنیم و در تصورمان، قضاوت دیگران را از خودمان - البته در ذهنشان - سهیم می‌شویم (به نقل از Shaffer, 2005).

به نظر روزنبرگ، اگر ارتباطات ما را وادار می‌کند تا دنیا را از نگاه و چشم‌انداز دیگران ببینیم، پس ناگزیر «خود»مان را نیز از نگاه دیگران مشاهده و ارزیابی می‌کنیم. علاقه اصلی روزنبرگ در کارش متوجه خود نیست؛ بلکه معطوف به «برداشت از خود<sup>۴</sup>» است. روزنبرگ برداشت از خود را جامعیت اندیشه‌ها و احساساتی که فرد در ارجاع به خودش به‌عنوان یک

---

1. Action  
2. Looking Glass Self  
3. Other  
4. Self-Esteem

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

شناخته عینی دارد، تعریف می‌کند (به نقل از ریتزر، ۱۳۸۴). بنیادی‌ترین فراگرد اجتماعی همان «ارتباطات اجتماعی» است؛ فراگردی که هم جامعه را به وجود می‌آورد و هم به آدمی‌زادگان موجودیت و هویتی انسانی می‌بخشد. وجود ارتباط برای پذیرفتن نقش دیگری و قراردادن خود به جای دیگری، برای فهم اینکه او چگونه به دنیا و اشیاء آن و از جمله به «خود» و انسان‌های دیگر می‌نگرد، ضروری و اساسی است (Rosenberg, 1981: 197). به نظر روزنبرگ، عوامل اجتماعی به‌طور مؤثری بر فرایند خودارزیابی تأثیر می‌گذارند و تعیین‌کننده آن هستند. به نظر او، ارزش‌یابی خود هیچ‌گاه در خلأ و به صورت انتزاعی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه ارزش‌یابی همیشه با توجه و با مراجعه به معیارهای معین اجتماعی انجام می‌شود. معیارهای اجتماعی برخاسته از شرایط تاریخی و خاص جامعه هستند و بر خصوصیات گروهی متکی‌اند که فرد در آن زندگی می‌کند. بنابراین، هر جامعه و یا گروه اجتماعی معیارهای خاص خود را دارد و در این چارچوب مشخص و معین است که ارزش‌یابی «خود» صورت می‌گیرد (Rosenberg, 1965). از سویی، روزنبرگ میان خود موجود، خود دلخواه و خود وانمودی نیز تمایز قائل می‌شود (به نقل از ریتزر، ۱۳۸۴). زمانی که فرد در ارزیابی خود، میان خود دلخواه و خودی که دیگران شاهد آن هستند تمایز و فاصله انکارناپذیری ببیند، شرم را به‌عنوان رویکردی نسبت به خود تجربه می‌کند. روزنبرگ (1981)، در بخشی از مقاله «مفهوم خود: محصول اجتماعی یا نیروی اجتماعی» به اصل «ارزیابی بازتابی»<sup>۱</sup> می‌پردازد. این اصل می‌گوید «مفهوم ما از خود» تاحدی هم‌بسته و مرتبط با جنبه یا بخشی از نگاه و قضاوت دیگران درباره ماست. روزنبرگ بین سه جنبه از «خود» تمایز قائل می‌شود و درباره هر یک توضیح می‌دهد:

۱. «مفهوم خود» یعنی فرد خودش را چگونه می‌بیند؟
۲. «خود اجتماعی» یا خود متناسب به فرد، یعنی دیگران واقعاً به فرد چگونه می‌نگرند؟
۳. «خود بازتابی یا خود ادراک‌شده» یعنی فرد نگاه دیگران را تا چه حد و چگونه باور کرده و پذیرفته است؟

در این حالت، از میان سه جنبه از «خود»، دو بُعد فردی و اجتماعی استخراج می‌شود. بُعد فردی از جنبه اول «خود» و بُعد اجتماعی از ترکیب جنبه‌های دوم و سوم «خود» ناشی می‌شود. جان دیویی بر این باور بود که آموختن، عمل کردن است؛ یعنی با عمل کردن است که می‌آموزیم. اگر بر اساس نظر جان دیویی در مورد اخلاق اجتماعی صحبت کنیم، باید بگوییم اخلاق و عمل یکی‌اند و با هم تفاوتی ندارند. بنابراین، اخلاق از تلاش انسان برای سازگاری با طبیعت و به‌ویژه سازگاری با انسان‌های دیگر سرچشمه می‌گیرد (به نقل از میرسپاسی، ۱۳۸۸: ۹۵). سازگاری با انسان‌های دیگر زمانی معنای واقعی خود را پیدا می‌کند که انسان‌ها بیاموزند در کنار یکدیگر و در رابطه با هم، در جامعه دست به «عمل» بزنند.

در جامعه‌شناسی، عمل به معنای کار<sup>۱</sup> و یا تلاش نیست؛ این مفهوم در کنار مفهوم حوزه عمومی تعریف می‌شود. مفهوم حوزه عمومی از مفاهیم کلیدی نظریه هانا آرنت و یورگن هابرماس است. مشخصه اصلی کارهای آرنت، جست‌وجو برای گمشده‌اش یعنی حوزه عمومی، اخلاق و فرهنگ است. آرنت معتقد است در حوزه عمومی هیچ‌چیز نمی‌تواند به‌عنوان امر بدیهی که نیازمند بحث و مذاکره نیست، مطرح شود. در حوزه عمومی فقط بحث، اقناع و ترغیب معتبر است. عرصه عمومی مانند انجمن اخوت نیست که در آن بیشتر، همدلی به‌چشم می‌خورد؛ بلکه این حوزه جایگاه اختلاف‌نظر، رقابت، پراکندگی، بحث و استدلال است. عرصه عمومی جایگاه پیشرفت و ترقی بر اثر تقابل عقاید مختلف است (به نقل از: Ramser, 1998: 5).

مبنای هابرماس (در نظریه حوزه عمومی)، ارتباط تحریف‌نشده و بدون اجبار است. هدف سیاسی هابرماس، جامعه‌ای است که در آن ارتباط تحریف‌نشده (کنش ارتباطی) برقرار شود. اعتقاد اساسی در نظریه حوزه عمومی هابرماس این است که کنش سیاسی توسط حوزه عمومی اداره می‌شود و حکومت‌های مشروع، حکومت‌هایی هستند که به حوزه عمومی اهمیت می‌دهند. حاکم دموکرات فرصت گفت‌وگوی هدایت‌شده را برای شهروندان خود فراهم می‌کند (به نقل از: Hauser, 1998: 83).



رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

آرنت حوزه خصوصی را حوزه تاریکی و پنهان‌سازی می‌داند؛ درحالی‌که حوزه عمومی، حوزه آشکارسازی و نمایاندن و در معرض دید دیگران قرار دادن است. این بازنمودن و آشکار کردن به وسیله کلام صورت می‌گیرد (به نقل از طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۴۴). تمایل افراد جامعه به آشکارسازی خود و در معرض دید دیگران قرار گرفتن، حاکی از بی‌توجهی افراطی آن‌ها به منافع شخصی و خصوصی است. در این حالت، فرد از اینکه مورد انتقاد و ارزیابی دیگران قرار بگیرد، هراسی ندارد. او به‌گونه‌ای جامعه‌پذیر شده که حتی بدون انتقاد از سوی دیگران در جامعه، به‌طور خودآگاهانه به ارزیابی خود می‌پردازد و اگر کاستی‌ای داشته باشد، در پی اصلاح و جبران آن می‌رود. خودافشاگری<sup>۱</sup>، انسان‌ها را در مقابل توجه بی‌اندازه به نیازها و منافع خصوصی و شخصی و عدم تمایل آن‌ها به اخلاقیات قرار می‌دهد.

سرکوب حوزه عمومی به وسیله ممانعت مردم از «عمل» در حوزه عمومی انجام می‌گیرد. عمل در میان مقولات آرنت، مهم‌ترین جزء را به خود اختصاص می‌دهد. آرنت عمل را با هم بودن محض انسانی زندگی انسانی می‌داند که در آن، مردم خود را بر یکدیگر فاش و عیان می‌سازند. در اندیشه آرنت، اغلب بر سخن گفتن تأکید می‌شود و عمل در بیشتر اوقات با سخن گفتن یکی است (به نقل از محمدی مجد، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۴). آرنت (۱۳۷۹) معتقد است انسان برای کشف هویت خود، ناگزیر از ارتباط با دیگران و حضور در حوزه عمومی است. در نظر آرنت، عمل انفرادی خنده‌آور و یا حتی نفرت‌انگیز است. آرنت از دو استعداد نهفته و بنیادین در انسان‌ها یاد می‌کند که لازمه عمل در حوزه عمومی است: آزادی<sup>۲</sup> و کثرت<sup>۳</sup> (انصاری، ۱۳۷۹). این دو، ویژگی بنیادی عمل آرنتی است. بر اساس نظریه هانا آرنت، وقتی می‌گوییم کسی «عمل» می‌کند؛ یعنی درگیر یک مسئله یا خیر عمومی<sup>۴</sup> است. او به خیر عمومی علاقه نشان می‌دهد؛ زیرا «آزادی‌باور» است و در قبال خود و جامعه‌اش احساس مسئولیت می‌کند. بنابراین، با احترام به حقیقت هویت‌های دیگر (نفی فردیت منفی و خودمداری) و با اعتقاد به برابری انسان‌ها، با آن‌ها وارد گفت‌وگو می‌شود؛ به این ترتیب، انسان‌ها «با دیگران» می‌شوند. اساسی‌ترین چیزی که آن‌ها را گرد هم می‌آورد، مسائل خصوصی نیست؛ بلکه

- 
1. Self-Disclosure
  2. Freedom
  3. Plurality
  4. Common good

دغدغه‌ها و مصالح عمومی است و همین مورد که میان کنش‌گران مشترک است، مقوم حضور آن‌هاست.

آزادی در مفهوم آرنتی آن، موجب خودافشاگری و تجربه اخلاق اجتماعی می‌شود. آزادی به عمل و کنش فرد در زندگی عمومی اطلاق می‌شود و در میان هموعان ظهور پیدا می‌کند. لازمه برقراری آزادی، حوزه عمومی است. آرنت با تعریف خود از آزادی و کنش آزاد، جزء نظریه‌پردازانی است که به عاملیت انسان و عدم تعیین ساختارها اعتقاد دارد. در نگاه پدیدارشناسانه آرنت، هر انسانی مبین آغازی تازه در جهان است و می‌تواند طرحی نو درافکند و کاری پیش‌بینی‌ناپذیر انجام دهد. مفهوم عمل آزاد آرنت در مقابل کنش و رفتار مقید ساخت‌گرایان قرار می‌گیرد؛ ساخت‌گرایان فرد را حامل ساختارها و مجری نقش‌های معین می‌دانند (به نقل از بشیریه، ۱۳۷۸: ۳۸).

بعد دیگر ورود به حوزه عمومی، تکثرگرایی است. تکثرگرایی یعنی اعتقاد به برتری نظری چندگانگی بر یگانگی و گوناگونی بر همگونی. تکثرگرایی بر تقابل با یگانه‌انگاری و به رسمیت شناختن و بزرگ‌شمردن کثرت دلالت دارد. کثرت دارای دو وجه مشخص «برابری» و «تمایز» است؛ یعنی اعتقاد به اینکه فردیت هر فرد با فردیت دیگری تفاوت دارد و یکی نیست و دیگر اینکه افراد جامعه در برابر چیزی فراتر از انسان‌ها- و البته مصنوع خود آن‌ها- مساوات دارند و آن چیزی نیست مگر «قانون» (محمدی مجد، ۱۳۸۷). بنابراین، به دلیل کثرت است که هر یک از ما مستعد عمل کردن و ارتباط یافتن با دیگران به‌عنوان افراد بی‌نظیر و متمایز هستیم و به شبکه‌ای از روابط و اعمال بی‌نهایت پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر پیوند می‌خوریم (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۲).

برای بررسی رابطه میزان تجربه حس شرم به‌عنوان اخلاق اجتماعی و عمل در حوزه عمومی جامعه ایران، در ابتدا نظریه هانا آرنت را مورد تأمل قرار می‌دهیم. حوزه عمومی در مفهوم آرنتی آن، در جامعه ایران دچار ضعف بوده است و اعضای جامعه چندان خود را به کنش در آن حوزه و در جهت منافع عمومی پای‌بند نمی‌بینند. به‌عبارتی، در ایران نهادهای دموکراتیک و آنچه حوزه عمومی گفته می‌شود، هستی‌ای بسیار شکننده و موقعیتی بی‌ثبات دارند (میرسپاسی، ۱۳۸۸). با فقدان حوزه عمومی، افراد جامعه به تجربه «با دیگران بودن» و

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

«در جهان بودن» در مفهوم آرنتی آن کمتر دست می‌یابد و این مسئله در واقع همان «اختلال رابطه‌ای» است که چلبی (۱۳۷۵) از آن یاد می‌کند.

حس شرم، احساس اخلاقی فرد اجتماعی یا انسان نوعی است؛ احساس اخلاقی فردی که از هویت فردی برخوردار است. در این حالت است که انسان نوعی برای غلبه بر شرم خویش ناگزیر می‌شود با شرایط موجود جامعه درگیر شود و برای تغییر و تحول آن بکوشد. به یقین، فردی که هویتی از خود احساس نمی‌کند، نمی‌تواند اخلاق اجتماعی را در خود پرورش دهد. آرنت چاره این بی‌اخلاقی را در تعلق افراد به حوزه عمومی، عمل در این حوزه و دغدغه پاسداری از آن می‌داند. وجه تمایز استدلال آرنت در این است که او حوزه خصوصی از جمله خانواده، اقتصاد و... را در از بین بردن آثار غیراخلاقی فرهنگ توده‌ای ناتوان می‌داند. به نظر او، نه امر اجتماعی و نه امر وجدانی قادر به بازگرداندن تجربه احساسات مربوط به اخلاق اجتماعی (مانند احساس شرم از ناتوانی‌ها و ناشایستگی‌ها) نیست؛ بلکه «امر سیاسی» انسان را وارد جهان می‌کند و به او معنا می‌دهد. همین معنا دادن به شخصیت انسانی، زمینه بروز اخلاق اجتماعی را در جامعه فراهم می‌کند (محمدی مجید، ۱۳۸۷).

البته اخلاق در نظریه حوزه عمومی آرنت، به صورت کلی آورده شده و حس اخلاقی خاصی مورد تأکید نبوده است. اما از آنجا که در این پژوهش حس اخلاقی شرم مورد توجه است، در چارچوب پژوهش و در کنار نظریه هانا آرنت، نظریه روزنبرگ در ارتباط با اصل «ارزیابی بازتابی» نیز قرار می‌گیرد. این بخش از نظریه روزنبرگ به طور اختصاصی به حس شرم توجه می‌کند. روزنبرگ وجود ارتباطات را برای پذیرفتن نقش دیگری و قرار دادن خود به جای دیگری، ضروری و اساسی می‌داند. ارتباط با دیگران و با دیگران بودن به فرد فرصت می‌دهد تا نگاه و قضاوت دیگران را در مورد «خود» خویش به درستی تشخیص دهد و متناسب با آن قضاوت‌ها، واکنش‌های احساسی و اخلاقی مناسبی داشته باشد. با ورود نظریه ارزیابی بازتابی موریس روزنبرگ به چارچوب پژوهش، نیمه دیگر ظرف پژوهشی نیز پر می‌شود.

فقدان تجربه احساس اخلاقی شرم در جامعه می‌تواند به عنوان آسیبی سیاسی معرفی شود که از محدودیت عمل در حوزه عمومی مایه می‌گیرد. عمل در حوزه عمومی به مثابه «خودافشاگری» فرد در جامعه است. آرنت خودافشاگری را مفهومی مثبت در حوزه عمومی تلقی می‌کند. فرد خودافشاگر از ارزیابی و انتقاد «خود» توسط خود و دیگران هراسی ندارد؛

زیرا احساس «هویت» و «مسئولیت‌پذیری» در او خودانگیختگی‌ای را موجب می‌شود که فرد را به سمت تجربه اخلاق اجتماعی هدایت می‌کند؛ اخلاق اجتماعی‌ای که وجودش ضمانتی برای اقدام به اصلاح و تحول اجتماعی است.

### فرضیه‌های پژوهش

۱. عمل در حوزه عمومی با میزان تجربه حس شرم در دانشجویان رابطه معناداری دارد.
  - ۱-۱. آزادی‌باوری در دانشجویان با میزان تجربه حس شرم رابطه مثبتی دارد.
  - ۲-۱. کثرت‌گرایی در دانشجویان با میزان تجربه حس شرم رابطه مثبتی دارد.
۲. خودافشاگری دانشجویان با تجربه حس شرم رابطه معناداری دارد.
  - ۲-۱. خودافشاگری خصوصی دانشجویان با میزان تجربه حس شرم رابطه مثبتی دارد.
  - ۲-۲. خودافشاگری عمومی دانشجویان با میزان تجربه حس شرم رابطه مثبتی دارد.

### روش پژوهش

متغیر وابسته در این تحقیق، میزان تجربه حس شرم به‌مثابه اخلاق اجتماعی است که بنابر اهداف پژوهش، از دیدگاه موريس روزنبرگ استفاده شده است. روزنبرگ بر اصل ارزیابی بازتابی تمرکز کرده و معتقد است برداشت ما از خود تا حد زیادی به نگاه و قضاوت دیگران درباره ما وابسته است. روزنبرگ (۱۹۸۱) احساس شرم را حاصل این برداشت از خود می‌داند که در نتیجه ارزیابی دیگران از فرد شکل می‌گیرد. با پذیرش این تعریف، برای سنجش انواع احساس شرم، از بین سنجه‌های موجود از مدل بدفورد (۲۰۰۴) و فرانک و همکاران (۲۰۰۰) استفاده شده است. بدفورد در این مدل، بر اساس اصل ارزیابی بازتابی روزنبرگ عمل کرده و دو بُعد کلی شرم فردی و شرم جمعی را برای احساس شرم در نظر گرفته است. بُعد تجربه فردی حس شرم به شاخص‌های زیر طبقه‌بندی می‌شود: حس شرم ناشی از شکست فردی<sup>۱</sup>، حس شرم ناشی از شکست در به‌دست آوردن ایده‌آل<sup>۲</sup>، حس شرم به دلیل از دست دادن آبرو<sup>۳</sup>.

---

1. Personal Failure  
2. Failure to Obtain Ideal  
3. Loss of Reputation

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

تجربه جمعی حس شرم نیز با شاخص‌های زیر مشخص می‌شود: حس شرم به دلیل شکست اجتماعی<sup>۱</sup> و حس شرم به دلیل از دست دادن اعتبار اجتماعی.

جدول ۱ شاخص‌های مربوط به حس شرم

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
حس شرم	حس شرم فردی	- شرم از شکست فردی - شرم از شکست در به دست آوردن ایده‌آل - شرم به دلیل از دست دادن آبرو
	حس شرم جمعی	- شرم از شکست اجتماعی - شرم به دلیل از دست دادن اعتبار اجتماعی

شرم از شکست فردی می‌تواند قوی‌ترین نوع احساس شرم باشد. علت اصلی حس شرم حاصل از شکست فردی، انحراف از توقعی است که فرد از خود دارد. شرم از شکست در به دست آوردن ایده‌آل، حس دردناک نیست؛ بلکه بیشتر تفکر همراه با سرزنش در ذهن فرد است: حس افسوس و شرم که با هم درآمیخته‌اند. این حس در مورد کاری است که فرد می‌توانست به طور متفاوت انجام دهد، ولی انجام نداده است. مسئله اصلی در احساس شرم به جهت از دست دادن آبرو، مورد توجه مردم بودن است. فرد زمانی اعتبارش را از دست می‌دهد که موقعیت اجتماعی او با آن پایگاه و ارزشی که مدعی آن است مغایرت داشته باشد. وجود شاهد برای تجربه این نوع شرم ضروری است. آبرو و اعتبار فقط مربوط به فرد نیست؛ بلکه جامعه و به طور عموم یک جمع خاص نیز دارای اعتباری است که ممکن است به علت عملکردهای نادرست اعضای آن جمع یا گروه به مخاطره بیفتد. شرم از شکست اجتماعی می‌تواند قوی‌ترین احساس مطرح شده باشد. در زبان انگلیسی اغلب واژه Shame به همین منظور به کار می‌رود. شکست اجتماعی با انحراف از هویت در ارتباط است: هویت فردی و هویت اجتماعی. وقتی فرد از این هویت منحرف می‌شود، اعمال او هویت دیگران را نیز تهدید می‌کند. هنگامی که بخشی از هویت فرد با هویت دیگران (هویت جمعی) دچار اختلاف و

1. Social Failure

تضاد می‌شود، فرد احساس شرم ناشی از شکست اجتماعی را تجربه خواهد کرد ( Bedford, 2004).

متغیرهای مستقل این پژوهش، عمل در حوزه عمومی و خودافشاگری است. متغیر عمل در حوزه عمومی دارای ابعاد آزادی‌باوری و کثرت‌گرایی است. به زعم آرنت، آزادی‌باوری یعنی خواست مسئولیت برای خود. با این تعریف، «آزادی» در برابر «رهایی» قرار می‌گیرد. مراد از رهایی<sup>۱</sup> در کلی‌ترین معنا، حالت فراغت و رهایی، اختیار، بی‌قید و بندی و خلاصی است (گولود و کولب، ۱۳۷۶) که درست در مقابل آن مفهوم آزادی است که به معنای «خواست مسئولیت برای خود» نزدیک است. کثرت‌گرایی<sup>۲</sup> یعنی اعتقاد به برتری نظری چندگانگی بر یگانگی و گوناگونی بر همگونی. به نظر آرنت، کثرت دارای دو ویژگی «تمایز» و «برابری» است. تمایز نیز دارای شاخص‌های فردگرایی، نفی اعتقاد به یکسانی و نفی خودمحوری است (انصاری، ۱۳۷۹).

جدول ۲ شاخص‌های عمل در حوزه عمومی

مؤلفه‌ها	ابعاد	مفهوم
- مسئولیت‌پذیری	آزادی	عمل در حوزه عمومی
- گریز از رهایی	باوری	
- باور داشتن تمایز	کثرت	عمل در حوزه عمومی
- باور داشتن برابری	گرایی	

آرنت توضیح می‌دهد که خودافشاگری به این معناست که هیچ حرفی پنهان نمی‌ماند و افراد مختلف حرف‌های خود را می‌زنند و حرف‌های یکدیگر را می‌شنوند. خودافشاگری راهبردی مهم و مثبت برای سهم شدن اطلاعات با دیگران است؛ به طوری که فرد چیزی را در زندگی خصوصی و عمومی خود پنهان نگذارد (Borchers, 2004: 24). در اینجا خودافشاگری در دو بُعد خصوصی و عمومی سنجیده می‌شود که هر کدام به شاخص‌های انتقادگرایی، انتقادپذیری و عدم خودسانسوری تفکیک می‌شوند (محمدی مجد، ۱۳۸۵).

1. Liberation  
2. Pluralism

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

جدول ۳ شاخص‌های خودافشاگری

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها
خودافشاگری	خودافشاگری خصوصی	- انتقادگرایی خصوصی - انتقادپذیری خصوصی - عدم خودسانسوری خصوصی
	خودافشاگری عمومی	- انتقادگرایی عمومی - انتقادپذیری عمومی - عدم خودسانسوری عمومی

متغیرهای دیگر شامل جنسیت پاسخ‌گویان، مقطع تحصیلی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنهاست که به‌عنوان متغیرهای فردی و زمینه‌ای در کنار سایر عوامل، تأثیرگذاری آنها روی متغیر وابسته بررسی شده است.

روش پژوهش، مطالعه پیمایشی<sup>۱</sup> است و داده‌های مورد نیاز پس از مطالعات نظری، به وسیله پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران در نیم‌سال دوم ۸۸-۸۹ است که بنا بر اطلاعات مرکز انفورماتیک دانشگاه تهران، ۳۳/۵۱۴ نفر اعلام شده‌اند.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شده است. این روش وقتی مناسب است که چارچوب نمونه‌گیری موجود نیست. نمونه‌گیری سهمیه‌ای (متناسب با حجم) یکی از اشکال رایج نمونه‌گیری غیراحتمالی است که در این تحقیق به‌کار رفته است. هدف از این نمونه‌گیری، ارائه نمونه معرف بدون انتخاب تصادفی افراد است. از پرسش‌گران خواسته می‌شود از افرادی که خصوصیات معین دارند پرسش کنند. در این نمونه‌گیری، سهمیه‌ها به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که نمونه نهایی، معرف خصوصياتی باشد که سهمیه‌بندی بر اساس آن انجام گرفته است. در این نمونه، سهمیه‌ها متعلق به دانشجویان سه دوره کارشناسی، ارشد و دکتری در دو جنس زن و مرد است.

اعتبار<sup>۱</sup> صوری پرسش نامه با مراجعه به نظر متخصصان این حوزه تأمین شده است. اعتبار سازه آن نیز توسط تحلیل عاملی بررسی، و بار عاملی آن‌ها تعیین شده است؛ بار عاملی تمام شاخص‌ها بالاتر از ۰/۷ و قابل قبول بوده است.

پایایی<sup>۲</sup> پرسش‌ها نیز با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شده است: ضریب آلفا برای تجربه حسّ شرم فردی ۰/۷، تجربه حسّ شرم جمعی ۰/۸۲، آزادی‌باوری ۰/۷۱، کثرت‌گرایی ۰/۶۹، خودافشاگری خصوصی ۰/۶۸ و خودافشاگری عمومی ۰/۸۱ به‌دست آمده است.

### یافته‌های توصیفی پژوهش

بررسی توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد ۵۰/۲۵ درصد جمعیت این پژوهش را زنان و ۴۹/۷۵ درصد آن را مردان دانشجو تشکیل می‌دهند. از این تعداد، ۵۹/۷۵ درصد از نمونه در دوره کارشناسی، ۳۴/۵ درصد کارشناسی ارشد و ۵/۷۵ درصد در دوره دکتری تحصیل می‌کنند. ۹۲/۵ درصد دانشجویان مجرد و ۷/۵ درصد آن‌ها متأهل هستند. شاخص‌هایی که در بررسی پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان لحاظ شده است عبارت‌اند از: شغل پدر، میزان تحصیلات پدر، نوع مالکیت منزل مسکونی پدری، سطح زیربنای منزل مسکونی پدری و درآمد خانواده پدری (کاظمی‌پور، ۱۳۷۴). ۱۷ درصد دانشجویان پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین، ۷۶/۲۵ درصد آن‌ها پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و ۶/۷۵ درصد پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا دارند.

میانگین نمره‌ای که دانشجویان در تجربه حسّ شرم فردی کسب کرده‌اند، ۱۲/۴۵ (در مقیاس ۱ تا ۲۰) است. حدود ۷۰ درصد از دانشجویان حسّ شرم فردی زیادی را تجربه کرده‌اند؛ اما بیش از ۲۰ درصد آن‌ها در شرایط اجتماعی شرم‌آور، این احساس اخلاقی را تجربه نکرده‌اند.

مقدار میانگین حسّ شرم جمعی دانشجویان ۱۳/۷ (در مقیاس ۱ تا ۲۰) است. حدود ۸۰ درصد دانشجویان احساس شرم جمعی را تجربه کرده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بروز

---

1. Validity  
2. Reliability



رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

این حسّ پُرننگ‌تر از بروز حسّ شرم فردی در میان دانشجویان است. با این حال، بیش از ۱۸ درصد آنان اعلام کرده‌اند که این حسّ را چندان تجربه نمی‌کنند.

تفاوت‌های میانگین حسّ شرم فردی و جمعی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری محسوس است؛ به طوری که این دانشجویان در شاخص‌های مربوط به حسّ شرم فردی نمره‌های پایین‌تری نسبت به حسّ شرم جمعی کسب کرده‌اند؛ درحالی که میانگین نمره‌های حسّ شرم دانشجویان کارشناسی در تمام شاخص‌ها تفاوت آشکاری با هم ندارد. به عبارتی، موقعیت‌هایی که بیشتر موجب احساس اخلاقی و اجتماعی شرم در دانشجویان دکتری می‌شود، آن‌هایی است که به خدشه‌دار شدن اعتبار اجتماعی و یا شکست اجتماعی منجر می‌شود؛ درحالی که برای دانشجویان دوره کارشناسی تمام موقعیت‌ها به یکسان این اخلاق اجتماعی را موجب می‌شود.

در بررسی توصیفی ابعاد و شاخص‌های متغیر مستقل عمل در حوزه عمومی نیز این نتایج به دست آمد: فقط حدود ۲۰ درصد از دانشجویان مسئولیت‌پذیری بالایی داشته‌اند و از طرفی نیز حدود ۶۰ درصد آنان به رهایی‌گرایش داشته و به خلاصی از هنجارها و قوانین و بی‌قیدی علاقه‌مند بوده‌اند. در نهایت، بیش از ۴۵ درصد از دانشجویان پاسخ‌گو نمره آزادی‌باوری کمی را به دست آورده‌اند.

نمره‌های مربوط به فردگرایی نشان می‌دهد بیش از نیمی از دانشجویان نمره فردگرایی خیلی زیادی را به دست آورده‌اند. در گویه‌های مربوط به نفی خودمحوری و نفی اعتقاد به یکسانی نیز وضع به همین شکل است. بیش از نیمی از دانشجویان به وجود تمایز در میان افراد جامعه اعتقاد بسیاری دارند؛ به عبارتی این تعداد از دانشجویان معتقدند فردیت هر فرد با فردیت دیگری یکسان نبوده و تفاوت میان فردیت اعضای جامعه، طبیعی است. اکثریت دانشجویان به کثرت‌گرایی اعتقاد و اذعان دارند چندگانگی نظری بر یگانگی برتری دارد و از آن تجلیل می‌کنند. این باور، امکان عمل را در حوزه عمومی افزایش می‌دهد؛ به عبارتی به دلیل وجود مشخصه کثرت در جامعه، افراد مستعداً ارتباط با دیگران و «در جهان بودن» می‌شوند. به این ترتیب، دانشجویان از نظر عمل در حوزه عمومی جامعه ایران وضعیت متوسطی دارند؛ یعنی ۶۷ درصد آن‌ها نمره عمل در حوزه

عمومی‌شان در حد متوسط است. نمره‌های متوسط این متغیر به علت نمره‌های ناچیز شاخص آزادی‌باوری و نمره‌های بالای شاخص کثرت‌گرایی است.

آماره‌های توصیفی خودافشاگری و شاخص‌های این متغیر نشان می‌دهد ۴۵ درصد از دانشجویان، خودسانسوری خصوصی بالایی دارند و بیشتر علاقه‌مندند در مورد خود و عملکرد خود اطلاعاتی در اختیار دیگران قرار ندهند. حدود ۴۳ درصد از دانشجویان گفته‌اند انتقادپذیری خصوصی بالایی دارند. درباره گویۀ متعلق به انتقادگرایی خصوصی نیز بیش از ۳۵ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند از انتقاد دوستان و اطرافیان خود فاصله می‌گیرند. با جمع‌بندی این شاخص‌ها، نمره خودافشاگری خصوصی به دست می‌آید. میانگین نمره خودافشاگری خصوصی ۱۰/۶۴ (در مقیاس ۱ تا ۲۰) است که مقدار کمی است.

بررسی توصیفی متغیر خودافشاگری عمومی نشان می‌دهد میانگین نمره‌های نفی خودسانسوری عمومی پایین‌تر از حد متوسط (۹/۸۶) است. به عبارتی، دانشجویان از اظهارنظر درباره مسائل عمومی جامعه تا حد زیادی دوری می‌کنند و ترجیح می‌دهند در این موارد پنهان‌کاری کنند. ۶۵ درصد از دانشجویان نیز معتقدند انتقادپذیری عمومی در جامعه بسیار ضعیف است. نمره‌های دانشجویان در باب انتقادگرایی عمومی در کل طیف مربوط به گویه‌ها پراکنده است. در نهایت، میانگین نمره‌های خودافشاگری عمومی ۹/۸۵ (در مقیاس ۱ تا ۲۰) است که مقدار پایین این متغیر را در جامعه نشان می‌دهد. میانگین نمره‌های کل پاسخ‌گویان برای متغیر خودافشاگری نیز برابر با ۱۰/۲۵ است.

### یافته‌های تحلیلی پژوهش

بررسی رابطه‌های مفروض در این پژوهش نشان می‌دهد، عمل در حوزه عمومی دانشجویان با انواع تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی در آنان رابطه قوی، مثبت و معناداری - با احتمال درستی ۹۵ درصد - دارد. جهت تحلیل و بررسی بیشتر، دو بُعد آزادی‌باوری و کثرت‌گرایی این متغیر با متغیر وابسته میزان تجربه حس شرم در رابطه قرار گرفتند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد، متغیر مستقل آزادی‌باوری بر روی حس شرم فردی

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

تأثیر مثبتی (با خطای کمتر از ۰/۰۵) دارد. این متغیر به رغم هم‌تغییری مثبت با تجربه حس شرم جمعی، رابطه معناداری را با آن نشان نمی‌دهد. با این حال، رابطه بعد آزادی‌باوری با تجربه حس شرم در حالت کلی، مثبت و معنادار است. بنابراین، دانشجویانی که ویژگی آزادی‌باوری در آنها کم‌رنگ است، احساس مسئولیت و تعهد کمی نسبت به مسائل و مصالح عمومی جامعه از خود نشان می‌دهند و بر اساس این، بیش از اینکه خواستار آزادی در مفهوم آرنتی آن باشند، به دنبال رهایی (آزادی منفی) و عقب‌نشینی به سمت حوزه خصوصی خود هستند (به نقل از بشیریه، ۱۳۸۴)؛ حوزه‌ای که از دسترس و آگاهی دیگران فاصله دارد و از آن خود فرد است. متغیر مستقل کثرت‌گرایی نیز رابطه مثبت و معناداری با تجربه حس شرم جمعی دارد؛ در حالی که این متغیر رابطه معناداری با تجربه حس شرم فردی ندارد، ولی هم‌تغییری مثبتی با آن دارد.

متغیر عمل در حوزه عمومی با هر دو بعد حس شرم (فردی و جمعی) رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۵ دارد. در نتیجه، عمل در حوزه عمومی بر میزان تجربه حس شرم نیز تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، هرچه افراد در حوزه عمومی جامعه ایران امکان عمل داشته باشند و در جهت مصالح عمومی درگیر کنش شوند و دغدغه‌مندی اجتماعی بیشتری داشته باشند؛ اخلاق اجتماعی کمتر دچار بحران می‌شود و حس شرم در اعضای جامعه، به عنوان نمود بارزی از اخلاق اجتماعی، در مواقع کاستی در عملکردشان نمایان می‌شود.

متغیر مستقل خودافشاگری خصوصی فقط بر حس شرم جمعی تأثیر معناداری دارد و در حالت کلی با میزان تجربه حس شرم رابطه معناداری ندارد. از سوی دیگر، خودافشاگری عمومی بر هر دو بعد تجربه حس شرم تأثیر معناداری در سطح ۰/۰۵ دارد و در کل با متغیر وابسته حس شرم نیز رابطه معناداری دارد. رابطه بین دو متغیر خودافشاگری و میزان تجربه حس شرم در سطح ۰/۰۵ معنادار است. با افزایش خودافشاگری دانشجویان، میزان تجربه حس شرم به عنوان اخلاق اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول ۴ ماتریس ضرایب همبستگی شاخص‌های میزان تجربه حس شرم با متغیرهای مستقل اصلی

خودافشاگری	خودافشاگری عمومی	خودافشاگری خصوصی	عمل در حوزه عمومی	کثرت‌گرایی	آزادی‌باوری	متغیر مستقل	
						متغیر وابسته	
۰/۴۳۷ ۰/۰۰۴* ۴۰۰	۰/۵۶ ۰/۰۰۱* ۴۰۰	۰/۰۴۲ ۰/۴ ۴۰۰	۰/۳۹ ۰/۰۱* ۴۰۰	۰/۰۳۷ ۰/۴۶۴ ۴۰۰	۰/۳۸ ۰/۰۰* ۴۰۰	ضریب پیرسون سطح معناداری تعداد	تجربه حس شرم فردی
۰/۴۸۱ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۴۴۳ ۰/۰۰۵* ۴۰۰	۰/۲۰۸ ۰/۰۳۱* ۴۰۰	۰/۵۳۵ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۲۵۳ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۰۷۵ ۰/۱۳۴ ۴۰۰	ضریب پیرسون سطح معناداری تعداد	تجربه حس شرم جمعی
۰/۴۵ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۴۷ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۰۹۱ ۰/۰۶۸ ۴۰۰	۰/۴۲ ۰/۰۰* ۴۰۰	۰/۳ ۰/۰۰۹* ۴۰۰	۰/۳۲ ۰/۰۰۱* ۴۰۰	ضریب پیرسون سطح معناداری تعداد	تجربه حس شرم

\* سطح معناداری برای تمام ضرایب ۰/۰۵ است.

اولین متغیر زمینه‌ای که در این پژوهش وارد تحلیل می‌شود، متغیر جنسیت است. این متغیر با متغیر وابسته میزان تجربه حس شرم همبستگی دارد و مقدار این همبستگی برابر با ۰/۲۸۷ است. این رابطه همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار، و به این معناست که حس شرم در زنان بیشتر از مردان بروز می‌کند. این رابطه در همه مطالعات احساس اخلاقی شرم میان دو جنس وجود داشته و تاحدی متأثر از عوامل رشدی و بالینی جنس زن و مرد است. بنابراین، در این پژوهش سعی می‌شود با کنترل متغیر جنسیت نیز بررسی فرضیه‌ها صورت گیرد تا عوامل مداخله‌گر وارد تحلیل نشوند.

دومین متغیر زمینه‌ای، متغیر دوره تحصیلی دانشجویان (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) است که با میزان تجربه حس شرم در رابطه قرار داده شده است. بررسی آماری نشان می‌دهد، بین دوره تحصیلی دانشجویان با میزان تجربه حس شرم آنان رابطه‌ای قوی وجود دارد. این رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار است و نشان می‌دهد دانشجویان در دوره‌های تحصیلی بالاتر، به اخلاق اجتماعی تجربه حس شرم پای‌بندی بیشتری دارند.

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

آخرین متغیر زمینه‌ای، متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان است که البته بر متغیر وابسته میزان تجربه حس شرم تأثیر معناداری ندارد.

به‌منظور بررسی هم‌زمان اثر متغیرهای مستقل اصلی (آزادی‌باوری، کثرت‌گرایی، خودافشاگری خصوصی و خودافشاگری عمومی) بر میزان تجربه حس شرم، تحلیل رگرسیونی انجام شده است. از میان متغیرهای مستقل اصلی، خودافشاگری عمومی در میان متغیرهای مستقل و زمینه‌ای، با ضریب استاندارد ۰/۴۲ بیشترین تأثیر را بر میزان تجربه حس شرم دارد. به‌طور کلی، این پنج متغیر موجود در معادله رگرسیونی، ۴۲/۷ درصد از تغییرات تجربه حس شرم را توضیح می‌دهند.

جدول ۵ ضرایب رگرسیون میزان تجربه حس شرم با متغیرهای مستقل اصلی و زمینه‌ای

متغیر مستقل	B	$\beta$	Sig T
آزادی‌باوری	۰/۴۰۶	۰/۳۹۸	۰/۰۰
کثرت‌گرایی	۰/۳۶۲	۰/۳۱۵	۰/۰۰۱
خودافشاگری خصوصی	-	-	-
خودافشاگری عمومی	۰/۴۹۱	۰/۴۱۷	۰/۰۰
جنسیت	-۱/۸۴۶	-۰/۳۱۹	۰/۰۰
دوره تحصیلی	-۰/۷۴۴	-۰/۱۳۴	۰/۰۰۵
پایگاه اجتماعی و اقتصادی	-	-	-
مقدار ثابت	۱۲/۲۲۷	-	۰/۰۰

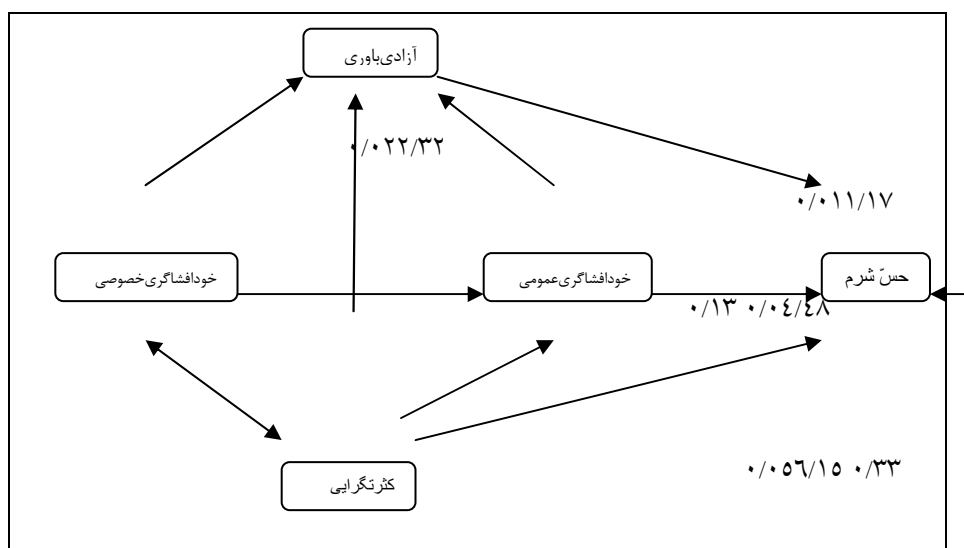
ضریب همبستگی چندگانه: ۰/۷۰۵  
 ضریب تعیین: ۰/۴۲۷  
 سطح معناداری: ۰/۰۰

بر اساس ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل اصلی و زمینه‌ای، می‌توان معادله استاندارد را این‌گونه نوشت:

$$\text{جنسیت} - ۰/۳۱۹ - (\text{آزادی‌باوری}) + ۰/۳۹۸ + (\text{خودافشاگری عمومی}) + ۰/۴۱۷ = \text{تجربه حس شرم}$$

$$+ (\text{مقطع تحصیلی}) - ۰/۱۳۴ - (\text{کثرت‌گرایی}) + ۰/۱۳۵$$

سرانجام، مدل ساختاری زیر به دست آمد که بر مبنای تئوریک و با توجه به نتایج فرضیه‌ها در تحلیل‌های دومتغیره، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل عاملی توسط نرم‌افزار طراحی شده است. البته در این مدل فقط به روابط میان متغیرها بسنده شده و برای حفظ وضوح روابط، از آوردن متغیرهای آشکار خودداری شده است.



شکل ۱ مدل عوامل مؤثر بر میزان تجربه حس شرم

### نتیجه‌گیری

اهمیت حوزه عمومی و عمل و مشارکت فعال در آن به صورت‌های مختلف، به‌عنوان عاملی اجتماعی و سیاسی که می‌تواند جامعه را از فساد در اخلاق اجتماعی نجات دهد، در این پژوهش تا حدود زیادی روشن شد. اما اینکه چرا تاکنون حوزه عمومی جامعه ایران در اثرگذاری بر امر مهم اخلاق اجتماعی توفیق چندانی نداشته، ناشی از این است که عمل در حوزه عمومی جامعه ایران دارای محدودیت‌هایی است که اعضای جامعه را از موقعیت‌های مداخله داوطلبانه در این عرصه دور می‌کند. حوزه عمومی موجب فرهنگ و هویتی پایدار و

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

اخلاقی می‌شود و ضمانتی برای پایبندی اعضای جامعه به ارزش‌های اخلاقی است (آرنت، ۱۳۶۷).

حوزه عمومی در جامعه ایرانی با توجه به تاریخ سیاسی و اجتماعی آن، همواره دچار ضعف بوده است؛ حتی پس از گذار از شرایط اجتماعی و سیاسی استبدادی گذشته، همچنان نوع کنش اعضای جامعه با ساختار بالادستی چندان تفاوتی نکرده است. با محدود شدن عمل در حوزه عمومی، خودانگیختگی و حق تعیین سرنوشت عمومی نیز از دانشجویان و دیگر اعضای جامعه سلب می‌شود. بنابراین، فردی که از حق تعیین سرنوشت و مداخله عمومی برخوردار نیست، خود را در آنچه می‌کند مجبور می‌داند؛ همین احساس اجبار باعث می‌شود فرد در ارتباط با دیگران، مسئولیت کردارهای خویش را نپذیرد و به اخلاق اجتماعی پایبند نباشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، دانشجویان از آزادی‌باوری کمی برخوردارند؛ درحالی‌که آزادی‌باوری یکی از ابعاد مهم عمل در حوزه عمومی است. دانشجویانی که ویژگی آزادی‌باوری در آن‌ها کم‌رنگ است، احساس مسئولیت و تعهد کمی به مسائل و مصالح عمومی جامعه از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین بیش از اینکه خواستار آزادی در مفهوم آرنتی آن باشند، به دنبال رهایی و عقب‌نشینی به سمت حوزه خصوصی خود هستند (به نقل از بشیریه، ۱۳۷۸)؛ حوزه‌ای که از دسترس و آگاهی دیگران فاصله دارد و متعلق به شخص فرد است و دیگران نیز به علت ناآگاهی از این حوزه، نمی‌توانند فرد را ارزیابی کنند و موجب ایجاد حس شرم در او شوند.

این پژوهش در پی بررسی میزان تجربه حس شرم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اخلاق اجتماعی در حوزه عمومی و یکی از بزرگ‌ترین عوامل مؤثر در اصلاح و تغییر جامعه است. بر اساس یافته‌ها، میزان تجربه حس شرم به‌عنوان اخلاق اجتماعی در میان دانشجویان کم است. به این معنا که فقط حدود ۲۰ درصد از دانشجویان در موقعیت‌های منجر به حس شرم اجتماعی، نمره قابل قبولی به‌دست آورده‌اند؛ دیگر اینکه دانشجویان پاسخ‌گو در موقعیت‌هایی که باید به تجربه حس شرم فردی منجر شود، این احساس اخلاقی را بسیار کمتر از حس شرم جمعی - که در نتیجه ارزیابی بازتابی فرد است - تجربه کرده‌اند و این امر میزان خودارزیابی پایین دانشجویان را نشان می‌دهد. به عبارتی، «برداشت از خود» این دانشجویان بر

اساس نظریه موريس روزنبرگ، بیشتر متأثر از ارزیابی بازتابی آنهاست. دانشجویان زمانی احساس اخلاقی شرم را تجربه می‌کنند که کاستی‌های عملکردی آنها در معرض دید دیگران باشد؛ درحالی‌که با جلوگیری از حضور فعال آنها در حوزه عمومی جامعه و عدم مشارکت و عمل در این عرصه، عملاً کردار دانشجویان در معرض دید دیگران قرار نمی‌گیرد؛ در نتیجه شرط بروز احساس اخلاقی شرم در آنها، به موجب ارزیابی دیگران از کردارهایشان، منتفی می‌شود. بنابراین، تا زمانی که ناشایستگی‌های آنها پنهان بماند، درگیر حس شرم نمی‌شوند و در پی تغییر و اصلاح بر نمی‌آیند. به عبارتی، این امر زمانی رخ می‌دهد که با فعالیت نداشتن دانشجویان در حوزه عمومی، منبع تصدیق و تأیید از خود، به صورت افراطی از حوزه عمومی جامعه به خویشتن انتقال پیدا کند. در این حالت، خلأ آگاهی دیگران و در معرض توجه دیگران نبودن از یک سو و مسئولیت ناپذیری دانشجویان در قبال عملکرد و رفتار خویش - که به دلیل دخالت نداشتن آنها در سرنوشت عمومی جامعه پدید آمده - از سوی دیگر، موجب می‌شود میزان تجربه حس شرم فردی در آنها کاهش پیدا کند.

خودافشاگری عمومی اولین متغیر مستقلی است که بر میزان تجربه حس شرم به عنوان اخلاق اجتماعی مؤثر است. البته دانشجویان در خودافشاگری عمومی، نمره بسیار پایینی به دست آورده‌اند. بنابراین بر اساس نظریه هانا آرنت که معتقد است در جامعه‌ای که حوزه عمومی آن فعال است هیچ چیز پنهان نمی‌ماند و همه چیز دیده و شنیده می‌شود، جامعه ایران از وجود چنین عرصه‌ای بی‌نصیب بوده است و از آن فاصله دارد؛ عرصه‌ای که جایگاه اختلاف نظر، رقابت، بحث و استدلال است. بیشتر دانشجویان به حوزه خصوصی خود عقب‌نشینی می‌کنند و از هرگونه انتقادپذیری و انتقادگرایی فاصله می‌گیرند و به خودسانسوری عمومی گرایش دارند. تمایل دانشجویان به خودسانسوری در سطح عمومی و نیز خصوصی، نشان‌دهنده توجه بسیار آنها به منافع شخصی و خصوصی‌شان است. این گرایش موجب می‌شود از انتقاد کردن دیگران و نیز مورد انتقاد قرار گرفتن از سوی آنها هراس داشته باشند. همان‌طور که در نظریه آرنت آمده است، در بیشتر اوقات عمل در حوزه عمومی با سخن گفتن یکی می‌شود. در نتیجه، دانشجویان با عدم تمایل برای خودافشاگری، از عمل در حوزه عمومی نیز محروم می‌شوند و با عقب‌نشینی به حوزه خصوصی خود، مطمئن می‌شوند که کسی مجوز ورود به این حوزه و ارزیابی آنها و عملکردهایشان را ندارد. از سوی دیگر، دانشجویان با



رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

محرومیت از عمل و مشارکت در حوزه عمومی به این باور می‌رسند که برای برخورداری از کمترین امنیت و ثبات در زندگی اجتماعی ناگزیرند دست‌کم در حوزه‌های تحت نظارت، کرداری همراه با سکوت و انفعال در پیش گیرند. در این شرایط اجتماعی است که به‌طور گسترده‌ای به خودسانسوری عمومی می‌گرایند و از انتقاد گریزان می‌شوند؛ در نتیجه میزان خودافشاگری نیز در جامعه پایین می‌آید.

با توجه به تأثیر عمل در حوزه عمومی بر میزان تجربه حس شرم به‌مثابه اخلاق اجتماعی، نخستین گام در راه رشد مهارت اخلاقی تجربه حس شرم دانشجویان عبارت است از: اهمیت دادن به چگونگی عمل آن‌ها در حوزه عمومی، مشارکت داوطلبانه آن‌ها در گفت‌وگوها و داشتن برنامه‌ای مدون برای رشد و تعالی حوزه عمومی. ایجاد نهادهای مدنی امکان عمل در حوزه عمومی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، تقویت حوزه عمومی به ایجاد شفافیت در جامعه کمک می‌کند؛ شفافیتی که برآمده از خودافشاگری بی‌ترس و واهمه اعضای جامعه است (آرنت، ۱۳۷۹). اصولاً مشخصه اساسی جوامع معروف به دموکراتیک، زندگی به دور از ترس و خشونت و خودسانسوری است؛ زندگی اجتماعی‌ای که اعضای جامعه از انتقاد دیگران نمی‌هراسند و خود نیز انتقادگرترین مردمان در عرصه‌های عمومی جامعه هستند. زمانی که دانشجویان و دیگر اعضای جامعه امکان انتخاب گسترده و مؤثری نداشته باشند، برای گزینش آنچه باید انجام دهند، به اخلاقی بودن آن در جامعه توجه نمی‌کنند؛ بلکه کردارهایشان را با توجه به انتظاری که - حدس می‌زنند - حکومت از آن‌ها دارد، انتخاب می‌کنند. از این لحاظ، معیار انتخاب کردار در آن‌ها به‌گونه‌ای نیست که سنجش اخلاقی آن میسر شود و به تجربه حس شرم در آنان بینجامد.

اخلاق به معنای اجتماعی و تجربه حس شرم اجتماعی به‌عنوان زیرمجموعه آن، در حوزه عمومی جامعه و در پیوند نزدیک با نهادهای مدنی جامعه به‌عنوان حوزه عمومی قرار دارد. اگر در جامعه حوزه عمومی از شفافیت و قانون‌گرایی برخوردار باشد و نهادهای جامعه دچار پنهان‌کاری و سکوت و فساد نشوند، نظامی دموکراتیک و اخلاقی در جامعه‌ای با حوزه عمومی فعال و شاداب تحقق می‌یابد.

تجربه حس شرم به‌مثابه اخلاق اجتماعی، پیامد عملی ایده‌ها و افکار ذهنی شهروندان جامعه است. بنابراین، ایده‌ها و افکار نادرست و ناشایست اعضای جامعه - به شرطی که

فرصت‌های عمل و مشارکت و دخالت در حوزه عمومی و در نهایت خودافشاگری و انتقاد برای آن‌ها وجود داشته باشد- به تجربه حس شرم در آن‌ها منجر می‌شود. اگر در مواقع ضروری و بایسته اکثریت اعضای جامعه با تجربه احساس شرم، به‌عنوان اخلاقی اجتماعی، مأنوس شوند، خود و جامعه خود را در آستانه تحولی راستین قرار می‌دهند؛ تحولی که نیروهای خلاق جامعه را برای مبارزه با عقب‌ماندگی‌ها و فسادها و تباهی‌های جامعه آزاد می‌کند. در همین باره مارکس می‌نویسد: اگر همه یک ملت واقعاً به تجربه حس شرم برسند، به شیری می‌مانند که خیز برمی‌دارد تا برای به جلو جهیدن آماده شود (به نقل از Manuel, 1997).

#### منابع

- آرنست، هانا. (۱۳۶۷). *توتالیتاریسم*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: جاویدان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). *اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی*. ترجمه عباس باقری. تهران: نشر نی.
- انصاری، منصور. (۱۳۷۹). *هانا آرنست و نقد فلسفه سیاسی*. تهران: نشر مرکز.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *گذار به دموکراسی*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)*. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۷). *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طاهرخانی، محرم. (۱۳۸۰). *آزادی مثبت از دیدگاه هانا آرنست*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- گلود، جولوس و ویلیام کولب. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. مترجمان. تهران: مازیار.

رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه ... \_\_\_\_\_ مرضیه موسوی خامنه و همکاران

– محمدی مجد، داریوش. (۱۳۸۵). *عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تنهایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.

– \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *احساس تنهایی و توتالیتاریسم: پژوهشی در جامعه‌شناسی ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

– میرسپاسی، علی. (۱۳۸۸). *اخلاق در حوزه عمومی: تأملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک*. تهران: ثالث.

– Bedford, O. (2004). *The Individual Experience of Guilt and Shame in Chinese Culture*. *Culture Psychology*. 10(29). PP. 29-52.

– Borchers, T. (2004). *Self disclosure in society*. Retrieved on May 25, 2006, from <http://www.mnstate.edu/borchers/Teaching/PersuasionF04/chapter8>.

– Frank, H, O. J. Harvey & K. Verdun. (2000). *American responses to five categories of shame in Chinese culture: A preliminary cross-cultural construct validation*. *Personality and Individual Differences*. 28, PP. 887-896.

– Hauser, Gerard. (1998). Vernacular Dialogue and the Rhetoricity of Public Opinion. *Communication Monographs*. 65(2). PP. 83-107.

– Manuel, Frank E. (1997). *A Requiem for Karl Marx*. Retrieved on June 14, 2010, from <http://books.google.com>.

– Ramser, Eric. (1998). *Suffering Wonder: Wooing and Courting in the Public Sphere Communication Theory*. New York.

– Rosenberg, Morris. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

– \_\_\_\_\_ (1981). "the self -concept: social product and social force". PP. 593-624 in Morris Rosenberg and Ralph H. Turner (Eds.). *Social Psychology: sociological perspectives*. NJ: Basic Books.

- Shaffer, Leigh. (2005). "From Mirror Self-Recognition to the Looking-Glass Self: Exploring the Justification Hypothesis". *Journal of Clinical Psychology*. 61, PP. 47-65.
- Scheff. T. J. (2002). *Shame in self and society*. Retrieved January 24, 2010, from: [www.soc.ucsb.edu/faculty/scheff](http://www.soc.ucsb.edu/faculty/scheff).
- Woodward, Kath. (2002). *Understanding Identity*. London: Arnold press.